

یادداشت روز...

## احزاب سیاسی، بازی باروج و روان مردم!

## تندروی مطلق درپوشش اصلاح طلبی!

■ ابراهیم ارزانی

جامعه سیاسی ایران در دهه های قبل روایت های مختلفی از گرایش های مختلف سیاسی را تجربه کرده است. چپ، راست، اصولگرایان، اصلاح طلبان، کارگزاران سازندگی، پایداری و...و.....

نمادها، شخصیت های مختلف و گوناگونی نیز به جامعه معرفی شده و در مقاطع مختلف موجب آمال و آرزوهای جامعه شده اند و مردم نیز دلخوش به آنها به سخنان آنها، به اندیشه ها و تفکرات و وعده های آنها و به تلاش و برنامہ های آنها برای اصلاح امور جامعه و زندگی مردم!

اما واقعیت امروز جامعه نشان می دهد دلخوشی به فعالیت و کارکرد احزاب سیاسی در ایران، چیزی جز سرکار گذاشته شدن و بازی برخی افراد با اهدافی خاص با مردم نیست! احزاب و مردان سیاسی کشور ما از هر گرایشی نشان داده اند تا وقتی خویند و حرف دل مردم را می زند که به قدرت نرسیده باشند و الا از فردای دست یابی و تکیه زدن بر صندلی قدرت همه حرفها و دیدگاهها و وعده های خود را به فراموشی می سپارند و آدم دیگری می شوند ! جور دیگری حرف می زنند و جور دیگری عمل می کنند ! بعضا عقاید و تفکر انتشان رانسه تنها فراموش می کنند که گامها بر خلاف آن نیز عمل می کنند اگو اینکه آن حرف ها و شعارها را افکار فقط ابزار پوششی بوده است مقطعی و وسیله ای برای گذر از دوره ای خاص! فقط.....!

نیاز به اشاره و نمونه نیست. نمونه های فراوانی از این مدل را در سطح کشور سراغ داریم. از احزاب و مردان سیاسی مختلف هم از چپ، هم راست! متاسفانه با هر دیدگاهی وارد شوند حس قدرت و حکمرانی آنان را در خود هضم می کند و آنگاه آنچه برایشان مهم است حفظ صندلی و قدرتی که در اختیار دارند و تکلیفی که برای حفظ آن مسئولیت بر دوش آنها نهاده شده است. اینها را بارها و بارها در مناصب مهم کشوری تا مناصب محلی و منطقه ای تجربه کرده ایم. بنظر می رسد درارزیابی موقعیت و تلاش افراد بیش از آنکه تفکر و رویکرد فکری آنها به احزاب و جناح های مختلف فکری اهمیت داشته باشد جوهره ذاتی افراد مهم است که به چه میزان تعلق خاطر به پیشرفت و آبادانی وطن و منطقه ای داشته باشند که در آن زندگی می کنند و در آن مسئولیت گرفته اند و در واقع از آن ارتاق می کنند! متاسفانه بارها و بارها تجربه شده است انتهای اغلب این کشمکش ها و دعوای حزبی و سیاسی در کشور، موضوع مالی و دست یابی به پروژه های بزرگ اقتصادی نهفته است و با تامین اهداف اقتصادی برای فرد، آنچه ارزش و اهمیت ندارد تفکر سیاسی و حزبی و دغدغه مردم و جامعه و شعارهایی است که می داده! یعنی در دعوایهای سیاسی و جناحی بیشتر تلاش برای دسترسی به ظرفیت ها و پروژه ها و مجموعه های بزرگ اقتصادی است تا بدست آوردن فرصت و ظرفیت تازه ای برای خدمت به کشور! این موضوع بارها در سطح مردان سیاسی رده اول کشور تجربه شده است تا بسیاری از مدیران منطقه ای! کافی است نگاهی بگذرانیم به انبوهی از پرونده های فساد و تخلفات موجود در کشور از همه نوع گرایش سیاسی و حزبی و جناح های مختلف در آن یافت می شود. از فرزندان متخلف وزراء و اعضاء کابینه دولت های اصلاح طلب تا نوه و نتیجه های اصولگرایان .....

متاسفانه جامعه ای که فرهنگ و اعتماد و اعتبار اجتماعی آن مورد هدف قرار گرفته و آسیب دیده است و انسانها در آن منافع فردی را بر منافع میهنی ترجیح بدهند وضعیت و سرنوشتی بهتر از این نخواهد داشت. مهم نیست فرد به چه تفکر و اندیشه ای اعتقاد داشته باشند، فکر او این است که امروز پوشش کدام جناح سیاسی و تفکری در جامعه برای گرفتن پست و مسئولیت و در پی آن تامین منافع اقتصادی خود جواب می دهد؟ همان راه را می رود!... والا اگر کسی جوهره ذاتی و وجودی اش همین دوستی و خدمت باشد با گرفتن پست و قدرت رنگ عوض نمی کند و همه چیز را به فراموشی نمی سپارد! در واقع احزاب و تفکرات سیاسی هم بازیچه این گونه افراد می شوند و از آنها نه در جهت تامین مصالح و منفعت جامعه که بعنوان ابزاری برای مطامع اقتصادی خود مورد استفاده قرار می گیرند. اینگونه می شود که در جامعه ای با پوشش اصلاحات و اصلاح طلبی تندروترین اعمال برای دست یابی به مطامع اقتصادی صورت می گیرد تا نه تنها اندیشه اصلاح طلبی که عموما اعتماد اجتماعی رنگ بپازد. منافع و مصالح جامعه در این راه نادیده گرفته می شود و از بین بردن و آسیب رساندن به سرمایه های جامعه براحتی صورت می گیرد. اگر فرد عضو یک حزب اصلاح طلب بود با پوشش آن وارد شد، پست گرفت و بعد از نشستن بر اریکه قدرت ابتدایی ترین اصول و قواعد اصلاح طلبی را نادیده گرفت و به بدترین شیوه اصولگرایی عمل کرد!

و به ریش مردم و جامعه ای که دلخوش به آینده بودند خندید! این مدل را متاسفانه بارها و بارها تجربه کرده ایم حتی در همین جزیره کیش! متاسفانه جامعه ای با مردم نیازمند و شرایط اقتصادی بد انسانها را خواسته ، ناخواسته اینگونه آلوده می کند، چرا که همین انسانها تصور و تلقی شان از روز مسئولیت نه کوشش و تلاش برای کمک به آبادانی میهن و منطقه ای که در آن هستند که زور آزمایی برای دست یابی به چند دلار بیشتر خواهد بود! در جزیره کیش تاکنون تجربه های مختلفی از حضور مدیران و مسئولان با گرایش های سیاسی مختلف را داشته ایم، جدا از تأثیری که تغییرات سیاسی کشور بر فضای عمومی جزیره خواه ناخواه می گذارد آنچه در عملکردها مهم بوده است جوهره ذاتی انسانها است که چه میزان وطن دوست و میهن دوست بوده اند تا برای سربلندی و سرفرازی آن تلاش کنند و اگر موقعیت و محجوبیتی هم حاصل شده ناشی از همان شرافت و جوهره ذاتی شخص بوده تا تفکر سیاسی اش!

## کیش میزبان دوازدهمین اردوی تیم ملی پارا اتیروکمان بزرگسالان کشور

**اقتصاد کیش** - دوازدهمین مرحله اردوی آمادگی تیم ملی پارا تیروکمان بزرگسالان تا ۱۵ اسفند به میزبانی کیش درحال برگزاری است.

به گزارش اقتصاد کیش، دوازدهمین مرحله اردوی آمادگی تیم ملی پارا تیر و کمان بزرگسالان آقایان و بانوان با هدف آماده‌سازی حضور در مسابقات پارا آسیایی ناگويا ۲۰۲۶ در کیش در جریان است.

سمیه رحیمی، هادی نسوری، فرانزه عسکری از اصفهان، غلامرضا رحیمی، آرش سلطانی از خوزستان، بهبود باباآزاده، محمدرضا عرب‌عامری، محمدرضا زندی، آتنا محمدی‌ها، مهدیه ببرزاء، محدثه باباحیب از تهران، سینا مناشزاده از کرمان، مریم یاورپور از یزد، امیرمحمد بارانی، زهرا راشندی از البرز و شیاورخ زمانی از چهارمحال و بختیاری به اردوی تیم ملی پارا تیروکمان دعوت شدند.

زهرا نعمتی به عنوان سرمربی و محمدصالح پالیزیان و امین علی‌خانی نیز به عنوان مربی هدایت ملی پوشان را بر عهده دارند.

میلاد قیاسی به عنوان بدنساز، زینب عزیزاده و مهدی توسلی نیز به عنوان مربی و علی جشیدی سرپرست و نماینده فرهنگي تیم ملی پارا تیروکمان در این اردو فعالیت می‌کنند.

اقتصاد کیش - جزیره‌ها

فقط نقطه‌ای روی نقشه نیستند؛ یک وضعیت سیاسی-اقتصادی شکننده‌اند. محدود در خاک، محدود در منابع و به مراتب محدودتر در راه‌های دسترسی. کیش طی یک دهه گذشته زیر بار انبوه تصمیم‌هایی له شده‌است؛ تصمیم‌هایی که هر کدام جداگانه شاید قابل دفاع باشند، اما در مجموع مزیت رقابتی جزیره را به‌سرعت فرسوده‌اند.

کیش قرار بوده و هست ویرین اقتصاد آزاد ایران باشد؛ الگویی برای جذب سرمایه، آسان‌سازی تجارت و ارائه تجربه‌ای متفاوت از حکمرانی اقتصادی، اما توسعه بدون «ثبات» ممکن نیست. تغییر مرکز مدیر حتی اگر طبق روال اداری باشد، پیامی روشن به بازار می‌فرستد: «اینجا هیچ چیز قابل پیش‌بینی نیست». سرمایه‌گذار در چنین فضایی نیا فرار می‌کند یا افق سرمایه‌گذاری‌اش را به چند ماه تقلیل می‌دهد.

اجرای مالیات بسر ارزش افزوده، افزایش هزینه‌های رسمی و سخت‌گیری‌های پی‌درپی، دقیقاً همان چیزی را هدف گرفته که قرار بود مزیت مناطق آزاد باشد: کاهش اصطکاک اقتصادی. وقتی هزینه‌مبادله بالا می‌رود، جدلیت ساختاری از بین می‌رود. از سسوی دیگر، حسبانیدن برچسب «فاجاع» به کل ساختار مناطق آزاد، تصویری منفی و بازدارنده در ذهن سرمایه‌گذاران ساخته است. در اقتصاد، گاهی «تصور» از واقعیت



**اقتصاد کیش - رئیس کمیسیون تلفیق لایحه بودجه ۱۴۰۵ ضمن تشریح مبنای نرخ ارز محاسبه برای حقوق ورودی کالاها گفت که پلاک خودروهای مناطق آزاد با تخفیف ۲۰ درصدی به پلاک ملی تبدیل می شود.**

به گزارش اقتصاد کیش غلامرضا تاجگردون در جلسه علنی روز گذشته و در ادامه بررسی جداول الزامات منابع بودجه سال آینده در بخش ردیف ۳ مربوط به الزامات حقوق گمرکی گفت: دولت نرخ ورودی خودرو را متناسب با مواردی همچون حجم موتور و سال ساخت تعیین کرده که کمیسیون صنایع جلساتی با دولت داشت و

## «کیش ایر» شریان حیاتی کیش



کشنده‌تر است.

در این میان، موضوع کیش ایر فقط یک پرونده شرکتی نیست؛ مسئله‌ای روال اداری باشد، پیامی روشن به بازار می‌فرستد: «اینجا هیچ چیز قابل پیش‌بینی نیست». سرمایه‌گذار در چنین فضایی نیا فرار می‌کند یا افق سرمایه‌گذاری‌اش را به چند ماه

تقلیل می‌دهد. اجرای مالیات بسر ارزش افزوده، افزایش هزینه‌های رسمی و سخت‌گیری‌های پی‌درپی، دقیقاً همان چیزی را هدف گرفته که قرار بود مزیت مناطق آزاد باشد: کاهش اصطکاک اقتصادی. وقتی هزینه‌مبادله بالا می‌رود، جدلیت ساختاری از بین می‌رود. از سسوی دیگر، حسبانیدن برچسب «فاجاع» به کل ساختار مناطق آزاد، تصویری منفی و بازدارنده در ذهن سرمایه‌گذاران ساخته است. در اقتصاد، گاهی «تصور» از واقعیت

**رئیس کمیسیون تلفیق لایحه بودجه ۱۴۰۵ مطرح کرد:**

## تبدیل پلاک خودروهای مناطق آزاد به پلاک ملی با تخفیف ۲۰ درصدی

خودروی جدید وارد شده، پلاک خودروهای مناطق آزاد به پلاک ملی تبدیل می‌شود! لذا کمیسیون گمرکی که در ۵ هزار دستگاه با تخفیف تبدیل پلاک می‌شود که باعث کاهش قیمت خودرو بدون صرف ارز جدید می‌شود. محمدباقر قالیباف رئیس مجلس در خلال صحبت های تاجگردون رئیس کمیسیون تلفیق گفت: حقوق ورودی شامل مجموع حقوق گمرکی و سود بازرگانی می‌شود. کمیسیون تلفیق در مصوبه خود ۴ درصد حقوق گمرکی برای خودرو تعیین کرده و میزان سود بازرگانی نیز در اختیار دولت‌است. وی ادامه داد: اراده دولت و رئیس جمهور بر واردات خودرو است و امسال هم ۲۰۰ همت برای تعرفه پیش‌بینی شد که متاسفانه به آن عمل نشد. نباید به گونه‌ای عمل شود که خودرو وارد نشود. چگونگی محاسبه حقوق ورودی تبدیل پلاک خودروهای مناطق آزاد به پلاک ملی تاجگردون در پاسخ با اشاره به تفاوت حقوق ورودی و حقوق گمرکی گفت: در بحث خودرو حقوق ورودی و گمرکی از هم جدا شده‌ است مثلاً درباره

رئیس کمیسیون تلفیق تأکید کرد: این مسیر یک راه میانبر برای افزایش عرضه خودرو بدون فشار به منابع ارزی کشور است. انتظار می‌رود که دولت با این مصوبه همراه باشد تا گامی برای واردات خودرو برداشته شود. مجدداً قالیباف گفت: در این مصوبه موضوع حقوق ورودی برای مناطق آزاد آمده‌ است و باید دولت هم برای تبدیل پلاک تخفیف دهد در حالی که ما نمی‌ توانیم اختیار گمرک را به دولت بدهیم. تاجگردون در پاسخ بیان کرد: این تخفیف ۲۰ درصدی مثلاً برای حقوق ورودی ۷۴ درصد است که شامل تخفیف درباره سود بازرگانی می‌ شود.

## دستگیری سارقان طلا و ارز در جزیره کیش

فرمانده انتظامی ویژه و پایگاه دریایی کیش با تأکید بر عزم جدی پلیس در برخورد قاطع با سارقان و مخلاان نظم و امنیت عمومی تصریح کرد: پلیس با اشراف اطلاعاتی و حضور مستمر در سطح جزیره، اجازه جولان به مجرمان را نخواهد داد. وی از شهروندان خواست با رعایت نکات ایمنی، استفاده از تجهیزات حفاظتی مناسب و خودداری از نگهداری و چوونقدو اشیای قیمتی در شرایط ناایمن، در صورت مشاهده موارد مشکوک مراتب را از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ اطلاع دهند.



یادداشت روز...

## کیش، خالی از میدان تحقق وعده‌ها و پیگیریهای ملی

■ نجمه لبانی مطلق

هر بار که مسئولی بلند پایه یا به کیش می گذارد، جزیره چند روزی شبیه صحنه یک نمایش رسمی می‌شود؛ سخنرانی‌های پرطمطراق، جملات امیدوارکننده، وعده‌هایی که انگار قرار است همین فردا معجزه‌کنند. توسعه، تحول، حل مشکلات قدیمی، توجه ویژه، نگاه ملی؛ واژه‌ها آشنا هستند و آن قدر تکرار شده‌اند که مردم کیش، ادامه جمله‌ها را از حفظ هستند. اما سوال ساد است و آزاد دهنده؛ بعد از رفتن مسئولان چه می‌شود؟

واقعیت این است در اصلی جای دیگری است؛ جایی میان فاصله‌بدرقه مسئولان و فراموشی پیگیری‌ها. وعده‌ها می‌آیند، عکس‌ها گرفته می‌شود، خبرها منتشر می‌شود و بعد... سکوت. سکوتی که نه اتفاقی است و نه بی‌هزینه.

حرف تازه این یادداشت همین‌جاست: مسئله اصلی کیش، مسئولان بلند پایه‌ای نیستند که وعده می‌دهند؛ مسئله؛ مدیران محلی‌ای هستند که بعد از شنیدن وعده‌ها، وظیفه خود را تمام شده تلقی می‌کنند. گویی نقش آنان فقط فراهم کردن صحنه است، نه دنبال کردن نتیجه. مسئول ملی می‌آید، می‌گوید، می‌رود. این طبیعت ساختار قدرت است. او نه در کیش زندگی می‌کند، نه هر روز با پیام‌های اجرا نشدن وعده‌ها و رویه‌روست. این دقیقاً همان جایی است که مسئولان جزیره باید وارد میدان شوند؛ میدان پیگیری مستمر، مطالبه‌گری حرفه‌ای و حتی سماجت اداری. اما تجربه نشان می‌دهد این میدان اغلب خالی می‌ماند.

در کیش، پیگیری معمولاً یک واژه تزئینی است؛ چیزی که در گزارش‌ها نوشته می‌شود اما در عمل دیده نمی‌شود. نامه‌ها یا نوشته‌نمی‌شوند یا پاسخ می‌مانند. تماس‌ها یا گرفته نمی‌شوند یا به تعارف ختم می‌شوند. گویی مدیر محلی بیش از آن که خود را نماینده مطالبات مردم بداند، نگران برهم خوردن روابط است. و اینجاست که وعده‌ها می‌میرند؛ نه با مخالفت، نه با مانع قانونی، بلکه با بی تفاوتی آرام. کیش به اندازه کافی ظرفیت دارد؛ اقتصادی، گردشگری، انسانی و حتی رسانه‌ای. آن چه ندارد، اراده‌ی تبدیل شدن است. وعده‌ای که بر نامه تبدیل نشود، بر نامه‌ای که زمان بندی نداشته باشد و زمان بندی‌ای که مطالبه نشود، فقط یک جمله زیبا در آرشینو خبرهاست.

مردم این جزیره ساده‌نیستند. آن‌ها فرق وعده واقعی و وعده نمایشی را خوب می‌فهمند. وقتی می‌بینند هر بار مسئولی می‌آید و همان حرف‌های تکراری گفته می‌شود، اما تغییری در زندگی روزمره‌شان رخ نمی‌دهد، نتیجه‌چیز روشن است: بی اعتمادی. بی اعتمادی‌ای که آرام و بی سر و صدا رشد می‌کند و یک روز همه چیز را می‌بلعد! مسئولان محلی اگر فکر می‌کنند با چند جلسه، چند عکس و چند خبر می‌شود افکار عمومی را مدیریت کرد، سخت در اشتباه‌اند. افکار عمومی با نتیجه آرام می‌شود، نه با وعده. با اجرا قانع می‌شوند، نه با تکرار. حرف تلخ اما ضروری این است: برخی مدیران در کیش بیش از آن که مدیر توسعه باشند، مدیر مناسبت هستند. بلندند خوب استقبال کنند، خوب بدرقه کنند، خوب بایکند بزنند؛ اما بلندنیستند. بعد از رفتن میهمان، بايستند و مطالبه کنند. توسعه‌ا ما با لیخند جلو نمی‌رود؛ با پیگیری جلو می‌رود، با پافشاری. با هزینه دادن. هیچ مسئولی در کیش، خود به خود به وعده‌اش وفادار نمی‌ماند؛ مگر آن‌ که از پایین، از همان جایی که وعده قرار است اجرا شود، فشار پیوسته وجود داشته باشد. این فشار نه بی ادبی است و نه تقابل؛ اسمش مدیریت است. اگر امروز پروژه‌ای نیمه کاره مانده، اگر تصمیمی خاک می‌خورد، اگر وعده‌ای به فراموشی سپرده شده، قبل از آن که دنبال مقصر بیرونی بگردیم، باید از خودمان بپرسیم: چندبار پیگیری شد؟ چندبار مطالبه شد؟ چندبار مدیران محلی حاضر شدند هزینه‌ی پیگیری را بدهند؟

کیش بیش از هر چیز، به مدیرانی نیاز دارد که بلند باشند «بعد از وعده» چه کنند. مدیرانی که بفهمند کار اصلی، وقتی شروع می‌شود که سالن خالی شده، دوربین‌ها جمع شده و مسئول بلند پایه سوار هواپیما شده‌است.

تا وقتی پیگیری در کیش یک استثناست نه قاعده، وعده‌های می‌آیند و می‌روند؛ و جزیره می‌ماند با امیدهایی که هر بار کوچک تر می‌شوند.

این یاداشت نه علیه وعده‌است و نه علیه مسئولان ملی؛ این یک نقد صریح به مدیریت است که پیگیری را جدی نمی‌گیرد و بعد، از بی اعتمادی مردم تعجب می‌کند! کیش اگر می‌خواهد از چرخه تکرار وعده‌ها بیرون بیاید، باید از همین جاش شروع کند؛ از مدیرانی که مسئولیت را نه در حرف، که در نتیجه تعریف می‌کنند.

وعده‌ها کم نیستند؛ فهرست شان روشن و قابل شمارش است. از «تحول در سسند حکمرانی مناطق آزاد» که قرار بود کیش را از اداره روزمره به مدیریت آینده محور برساند، تا «بازگشت درآمدهای مالیاتی به جزیره» که هنوز معلوم نیست در کدام راهروهای اداری کم شده‌ است. از «اقتصاد دریا محور» که سال‌هاست فقط در سخنرانی‌ها شناور است، تا «بسته‌های متنوع گردشگری» که قرار بود کیش را از یک مقصد تکراری به جزیره‌ای متناسب با سلیقه‌های مختلف تبدیل کند؛ خانوادهمحور، سلامت‌محور، طبیعت‌محور و روزیادمحور. همه این‌ها گفته شده، نوشته شده، حتی گاهی تصویب شده‌اند؛ اما آن چه دیده نمی‌شود، پیگیری‌ای است که این وعده‌ها را از غاذبه زندگی مردم برساند. مسئله کیش نداشتن نقشه راه نیست؛ مسئله این است که کسی پشت فرمان نمی‌ایستد. وعده‌ها روی میز هستند، اما اراده‌ای برای حرکت دیده نمی‌شود. و این، خطی‌ناک‌ترین مشکل مدیریت است؛ مدیریت که وعده را می‌شناسد، اما مسئولیت تحققش را نه. یادمان بماند که جزیره مرجانی ما مشکل و عده ندارد؛ مشککش مدیرانی است که بلندنیستند و عده را تا آخر عملیاتی کنند. به امید روزی که تمامی مدیران مناطق آزاد به خصوص منطقه آزاد کیش اثری ماندگار در هر زمانی از خود به یادگار بگذارند و نتیجه‌اش در زندگی مردم این مناطق به خوبی مشهود باشد.

**باحکم دبیر شورای عالی مناطق آزاد صورت گرفت؛**

## معرفی رئیس ستاد خدمات سفر مناطق آزاد کشور



**اقتصاد کیش** - دبیر شورای عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در حکم، مهدی مزینانی را به عنوان رئیس ستاد خدمات سفر مناطق آزاد کشور منصوب کرد.

به گزارش اقتصاد کیش، رضا مسرور در حکم مهدی مزینانی بر ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، هماهنگی بین سازمانی و ارتقای خدمات‌رسانی به گردشگران تأکید شده و بهره‌گیری از ظرفیت‌های مناطق آزاد در توسعه صنعت گردشگری و افزایش رضایتمندی مسافران به ویژه در ایام موج سفر به عنوان اولویت‌های اصلی مورد توجه قرار گرفته‌ است.

رئیس ستاد خدمات سفر ماموریت دارد راهبری، سیاست‌گذاری، نظارت و ایجاد هماهنگی بین ستادهای خدمات سفر در مناطق آزاد کشور را انجام دهد. برنام‌ریزی و اجرایی مطلوب طرح‌های خدمات سفر از طریق تعامل مؤثر با سازمان‌های مناطق آزاد، مجامع تخصصی و فعالان گردشگری در دستور کار ستاد خدمات سفر قرار دارد. ساماندهی خدمات اقامتی، حمل‌ونقل، اطلاع‌رسانی، ایمنی، بهداشت، فاه مسافران و مدیریت شرایط خاص در ایام پر تردد سفر از دیگر محورهای مهم فعالیت ستاد عنوان شده‌ است. مهدی مزینانی، معاون فرهنگی، اجتماعی و گردشگری دبیر خانه شورای عالی مناطق آزاد است و این انتصاب مسئولیت تقویت رویکرد خدمات‌محور و توسعه گردشگری پایدار در مناطق آزاد کشور را بر عهده خواهد داشت.

## ۳۰ سال حضور مستمر و فعال در عرصه مطبوعات

## ورود اداهای خبری کیش

## اقتصاد کیش

روزنامه